



## اثر آزاد سازی تجاری بر کشاورزی و اقتصاد روستایی ایران

سحر سلطانی ، ناصر شاهنوشی فروشانی، سیاوش دهقانیان\*

چکیده:

این مقاله اثر آزاد سازی تجاری را بر اقتصاد روستایی ایران بررسی می کند . آزاد سازی تجاری اثرات مثبت و منفی بر کشاورزی و اقتصاد روستایی تحمیل خواهد کرد . در این میان اگرچه برخی بخشها به دلیل عضویت در سازمان تجارت جهانی متضرر خواهند شد اما اکثر بخشها از این امر منتفع خواهند شد . در بسیاری از موارد موافقتنامه ها اثرات منفی را کاهش می دهند . در برخی موارد فواید غیر مستقیم و بلند مدت مانند کسب اجازه ورود تکنولوژی جدید و همگرایی به سمت بازاریابی بین المللی ، اثرات انتقالی مثبتی بر ایران خواهد داشت . مطالعه دقیقتر نشان می دهد که در صورت عضویت ایران در WTO و آزاد سازی تجاری کارگران روستایی فرصتهای بیشتری برای اشتغال خواهند یافت و کارایی بخش کشاورزی نیز بهبود می یابد بنابراین به نظر می رسد کل اثر آزاد سازی بر این بخش مثبت خواهد بود .

کلمات کلیدی: آزاد سازی تجاری ، معیار ادغام در تجارت بین الملل ، کارایی فنی

---

\* به ترتیب دانشجوی کارشناسی ارشد ، استادیار و استاد گروه اقتصاد کشاورزی دانشگاه فردوسی مشهد



## مقدمه

یکی از پدیده های بسیار قابل توجه دهه اخیر در اقتصاد جهانی ، ادغام رو به افزایش اقتصادها در سطح جهان می باشد . اقتصاد جهان شاهد بین المللی شدن روز افزون است که آثار آن را می توان در افزایش بازرگانی بین المللی ، جهانی شدن تولید و جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی ملاحظه کرد . رشد متوسط سالانه مبادله کالا در سطح جهان دو برابر رشد تولید جهانی در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ بوده است. این نسبت در نیمه اول دهه ۱۹۹۰ به سه برابر افزایش یافته است.(۲)

آزادی تجاری یا درجه پیوستن هر کشور به اقتصاد جهانی ، مقوله ای است که مورد توجه اقتصاد دانان ، برنامه ریزان و سیاستگذاران کشورهای مختلف جهان میباشد . مطالعات انجام شده جهت بررسی روند تغییرات آزادسازی ، حاکی از حرکت کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته به سمت آزادی بیشتر تجاری میباشد . (۶) آدام اسمیت ، تجارت خارجی را وسیله ای جهت گسترش بازار داخلی تقسیم کار و افزایش تولید می داند . سباستین ادوار معتقد است که آزاد سازی تجاری جریان نشر دانش و تکنولوژی جدید به کشورهای در حال توسعه را سرعت می بخشد . (۷)

مطالعات زیادی در مورد اثر آزاد سازی تجاری بر اقتصاد کشاورزی انجام شده است . در مطالعه ای اثر آزاد سازی تجاری بر کشاورزی و اقتصاد روستایی چین مورد بررسی قرار گرفته است ، محققین به این نتیجه رسیده اند که آزادسازی تجاری اثرات مثبت و منفی بر کشاورزی و اقتصاد روستایی تحمیل خواهد کرد . در این میان اگرچه برخی بخشها به دلیل عضویت در سازمان تجارت جهانی متضرر خواهند شد اما اکثر بخشها از این امر منتفع خواهند شد . مثلاً پس از پیوستن چین به سازمان تجارت جهانی در بسیاری از موارد موافقتنامه ها اثرات منفی را کاهش می دهند . در برخی موارد فواید غیر مستقیم و بلند مدت مانند کسب اجازه ورود تکنولوژی جدید و همگرایی به سمت بازاریابی بین المللی ، اثرات انتقالی مثبتی بر چین خواهد داشت . مطالعه آنها نشان داد که ورود به سازمان تجارت جهانی قسمتی از فرایند بلند مدت بهبود کارایی است . (۹)

در مطالعه دیگری که با عنوان (منافع تولید کننده از بازار نهاد و آزاد سازی تجاری : مورد کود در چین ) انجام شده است . محققین با توجه به این که کودهای شیمیایی بزرگترین نهاد وارداتی (از نظر ارزش ) کشاورزی است ، اثر آزاد سازی تجاری بازار نهاد را بر روی تولید کنندگان چینی بررسی کردند . در این مطالعه برای تعیین منشا تغییرات قیمت نهاد در گذشته ، بازاریابی نهاد در داخل و سیاستهای تجاری در طول دو دهه گذشته مورد بررسی قرار گرفته است سپس میزان سود تولید کننده از کاهش قیمتها مورد ارزیابی قرار گرفته و سرانجام بر اساس مشاهدات تجربی اصلاحات تجاری و



بازاریابی در گذشته، اثر آزاد سازی تجاری بر قیمت‌های کود تخمین زده شده است. محققین به این نتیجه رسیده اند افزایش تجارت به معنی کاهش قیمت‌ها، افزایش سود و افزایش انگیزه تولید است و تولید کنندگان روستایی از ورود چین به سازمان تجارت جهانی بی‌منتفع خواهند شد. (۱۳)

در مطالعه دیگری تحت عنوان اصلاحات تجاری، اثرات در سطح خانوار، و فقر در روستاهای چین انجام شده، اثر پیوستن چین به سازمان تجارت جهانی بر فقر موجود در این کشور مورد ارزیابی قرار گرفته است. محققین به این نتیجه رسیده اند که اگرچه اثرات مطلق آزادسازی تجاری بزرگ خواهند بود، سیاستگذاران باید به فقر و اثرات برابری توجه بیشتری بکنند. در این مقاله اطلاعات به ۳۳ گروه، بر اساس ۱۱ طبقه در آمدی در ۳ ناحیه تقسیم شده اند و بر طبق نتایج این مطالعه تمام طبقات در آمدی در تمام نواحی از WTO منتفع شده اند دلیل این امر افزایش قیمت‌ها نبوده است چون پس از پیوستن چین به سازمان تجارت جهانی شاخص قیمت بخش کشاورزی ۱٪ کاهش یافته است دلیل آن تشویق کشاورزان به تغییر الگوی کشت به سمت کاشت محصولات سودمند است، بنابر این درآمدها افزایش خواهد یافت و وضعیت بخش کشاورزی بهبود خواهد یافت. یافته‌های این محققین حاکی از این امر است که اگرچه بخش کشاورزی در کل منتفع خواهد شد اما از نقطه نظر کاهش فقر و برابری کشاورزان ثروتمندتر در نواحی ساحلی بیش از فقرا منتفع خواهند شد به این دلیل که زمین و تولیدات بیشتری دارند بعلاوه این کشاورزان تمایل به کاشت محصولاتی دارند که چین برای آن مزیت نسبی بین المللی دارد. (۱۰)

در مقاله دیگری تحت عنوان عواقب بلند مدت و کوتاه مدت آزادسازی بر فقر در سه کشور در حال توسعه، نتایج متفاوتی در میان کشورهای مختلف مشاهده گردید. در شیلی و مالووی کاهش‌های کوتاه مدت فقر در بلندمدت از بین می‌رود و دلیل این امر تمرکز سود بالاتر میان صاحبان زمین ذکر شده است. عکس این واقعه در مورد ویتنام صادق بوده که فقر در این کشور ۱۲ درصد کاهش داشته است و این امر تنها بوسیله بسط تولید کشاورزی میسر نبوده بلکه افزایش نیروی کار غیر ماهر و تولیدات کارخانه‌ای سبک نیز موثر بوده اند. (۸)

در ایران نیز اثر آزاد سازی تجاری بر توزیع درآمد مورد بررسی قرار گرفته است و محققین به این نتیجه رسیده اند که آزاد سازی تجاری طی دوره مورد بررسی موجب نابرابری بیشتر توزیع درآمد در ایران شده است (۱).

در مطالعه دیگری تحت عنوان سیاست آزادسازی تجاری محصولات کشاورزی در ایران: تحلیلی در چارچوب تعادل عمومی، محقق بعینه این نتیجه می‌رسد که با توجه به کل حمایت‌های انجام شده از محصولات مختلف، چنانچه ایران به عضویت سازمان تجارت جهانی در آید مقررات موجود ایران را



ملزم به کاهش سقف یارانه ها در رابطه با بخشی از محصولات کشاورزی خواهد نمود. بر اساس نتایج این محقق کشور زمانی می تواند از منافع حاصل از آزادی تجاری سود لازم را کسب کند که همزمان با پیوستن به WTO در امدادهای حاصل از صرفه جویی در کاهش یارانه ها را صرف ظرفیت سازی در بخش کشاورزی کند. بر چنین صورتی ضمن توسعه بخشهای اقتصادی کشور وضعیت اشتغال بهبود یافته، نرخ تورم کاهش می یابد و رفاه عمومی افزایش خواهد یافت. (۳)

در مورد ایران، نگاهی به وضعیت کشور در چند دهه اخیر و بویژه در سالهای بعد از انقلاب حاکی از آن است که کشور ما تا حدود بسیار زیادی از فرایند جهانی شدن به دور مانده است (۵). طی مطالعه ای که در خصوص اندازه گیری جهانی شدن در سال ۲۰۰۴ انجام شده است، ایران مقام شصت و دوم را بر اساس شاخص جهانی شدن کسب کرد که ایرلند، سنگاپور و سوئیس به ترتیب مقامهای اول تا سوم را در این رده بندی داشتند. (۱۱)

از جمله عواملی که ما را ظرف ۲۵ سال اخیر از فرایند جهانی شدن تا حدودی بر کنار داشته است میتوان به موارد زیر اشاره کرد: (۴)

- ✓ کاهش سهم ایران در تجارت کالا در جهان
  - ✓ کاهش سهم تجارت در تولید ناخالص داخلی
  - ✓ ناچیز بودن سهم ایران در سرمایه گذاری مستقیم خارجی جهان
  - ✓ حمایتهای گسترده از قبیل ممنوعیت ورود کالا، سهمیه بندی، اعمال نرخهای ارز چند گانه
- و...

- ✓ عدم عضویت در ترتیبات تجاری جهانی و عدم بهره گیری مناسب از ترتیبات منطقه ای
- ✓ عدم هماهنگی قوانین، مقررات و سیاستهای اقتصادی کشور با تحولات جهانی
- ✓ دیدگاههای فرهنگی و مشکلات سیاسی
- ✓ سهم غالب دولت در اقتصاد و انحصاری بودن برخی فعالیتهای

### روش تحقیق

– روش اندازه گیری جهانی شدن

مطالعات انجام شده در زمینه اندازه گیری جهانی شدن به شرح زیر می باشد:

سیگر، متغیر جریان تجارت صنعتی بین شمال و جنوب را نسبت به تولید ناخالص داخلی (GDP) که نشان دهنده ادغام جنوب در تجارت جهانی می باشد و تغییر قیمتهای نسبی را به عنوان شاخصهای جهانی شدن در مطالعه خود مطرح کرده است. وی مطالعه خود را بر روی کشورهای عضو

OECD انجام داد. (۱۴)



گرت (۱۹۹۵، ۱۹۹۸) و رودریک (۱۹۹۸) اثر یکپارچگی تجاری بر رفتار مصرف عمومی را با استفاده از متغیر مجموع صادرات و واردات، نسبت به GDP مورد مطالعه قرار داده اند. در بررسی یکپارچگی بازار سرمایه نیز متغیرهایی از قبیل سرمایه گذاری مستقیم خارجی (سوانک و گرت)، استقرار از بازارهای بین المللی (سوانک) قدر مطلق نرمال شده تفاوت بین پس انداز و سرمایه گذاری (کوساک)، درجه آزاد سازی بازار سرمایه (گرت، کوین و سوانک)، به عنوان شاخصهای جهانی شدن در مطالعات به کار برده شده اند.

مطالعه دیگری که توسط مونا مخی ناجا و کونگ سوگیم و ساندر ویلیامسون در مورد صنایع شیمیایی و کارخانه ای پنج کشور (آمریکا، ژاپن، فرانسه، آلمان، انگلستان) انجام شده است دو معیار سطح تجارت بین المللی و معیار ادغام تجارت بین المللی برای اندازه گیری جهانی شدن استفاده شده است. (۱۲)

معیار سطح تجارت بین المللی (LIT): این معیار، برای تمایز صنعتها با ارتباطات بین المللی کمتر و بیشتر است. LIT، سهم تجارت بین المللی در ارتباط با کل مصرف صنعت (نسبت به سائز بازار) را نشان می دهد. کل مصرف به وسیله کل تولیدات صنعتی و واردات، منهای صادرات اندازه گیری می شود. این معیار در واقع همان معیار موریس و روت می باشد:

$$LIT_{it} = \frac{X_{it} + M_{it}}{P_{it} + M_{it} - X_{it}}$$

برای هر صنعت | در سال t،  $LIT_{it}$  سطح تجارت بین المللی،  $X_{it}$  صادرات،  $M_{it}$  واردات،  $P_{it}$  سطح تولید می باشد.

LIT کوچکتر، نشان می دهد که ارتباطات بین المللی صنعت (واردات و صادرات) جنبه مهم صنعت نیست و صنعت با توجه به حجم کم تولید خود، کمتر در تجارت شرکت می کند و بر عکس. LIT اگرچه شاخص بسیار مناسبی است اما شرط لازم بوده و شرط کافی برای اندازه گیری جهانی شدن اقتصاد به شمار نمی آید.

معیار ادغام تجارت بین المللی (IIT): این معیار همان شاخص تجارت بین صنعت گرین ویل و میلنر (۱۹۸۶) و گرویل و لوید (۱۹۷۵) و هانسون (۱۹۸۷) می باشد که ادغام جهانی یک صنعت را اندازه گیری می کند.

$$IIT_{it} = 1 - \frac{|X_{it} - M_{it}|}{M_{it} + X_{it}}$$

برای هر صنعت | در سال t،  $IIT_{it}$  ادغام تجارت بین المللی،  $X_{it}$  صادرات و  $M_{it}$  واردات می باشد.



طبق تعریف IIT بین صفر و یک قرار می گیرد . صفر نشاندهنده نبودن تجارت در درون صنعت (یعنی تجارت فقط شامل صادرات یا واردات می باشد) است و یک بیانگر تجارت درون صنعتی کامل می باشد.

محققان دریافته اند که IIT ، شاخص مناسبی برای فهم جهانی شدن در یک صنعت است زیرا :  
الف - شواهد تجربی و کاربردی موجود اطمینان می دهد که IIT تابعی از عواملی می باشد که برای جهانی شدن شناسایی شده اند .

ب - مطالعات پیشین نشان می دهد که IIT با اکثر عوامل موثر بر جهانی شدن رابطه مثبت دارد که می توان به عوامل زیر اشاره نمود :

۱ - سلیقه مشترک یا تشابه تقاضا در بازار کشورهای مختلف برای محصول مشخص

۲ - صرفه جوییهای اقتصادی

۳ - ساختار بازار رقابتی

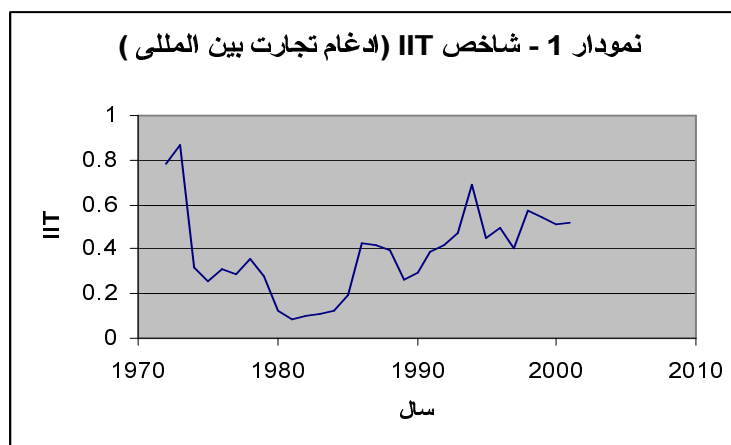
۴ - موانع تعرفه ای و غیر تعرفه ای کمتر

۵ - سرمایه گذاری مستقیم خارجی و ظهور شرکتهای چند ملیتی (هرچه سرمایه گذاری خارجی و ظهور کشورهای چند ملیتی بیشتر باشد ، IIT بزرگتری را خواهیم داشت )

- نتایج و تجزیه تحلیل آماری :

در این بخش با استفاده از معیار ادغام تجارت بین المللی جایگاه بخش کشاورزی در تجارت بین الملل طی دوره ۱۳۸۰-۱۳۵۱ مورد بررسی قرار گرفته است .

نتایج حاصل از آن در نمودار زیر آمده است :





در طی سالهای مورد بررسی حداکثر مقدار این شاخص در سال ۱۳۵۲ و حداقل مقدار آن در سال ۱۳۶۰ (و ادامه این روند نزولی تا سال ۱۳۶۴ یعنی سالهای ابتدایی جنگ) بوده است. با این حال با مطالعه این شاخص طی سالهای بعد میتوان به این نتیجه رسید که بخش کشاورزی در تجارت بین الملل طی دوره مورد بررسی از روند خاصی تبعیت نمی کند ولی نسبت به سالهای اولیه انقلاب جایگاه بهتری دارد و بخصوص در ۴ سال اخیر این شاخص روند صعودی داشته است.

- تخمین اثر جهانی شدن بر کارایی فنی:

برای محاسبه کارایی فنی ابتدا تابع تولید به فرم ترانسدنتال تخمین زده شد فرم تابع تخمین زده شده به صورت زیر است.

$$LNY = 231.25 - 15.9LNL + 1.63LNK + 1.1 \times 10^{-6} L - 1.18 \times 10^{-6} K$$

(3.48)      (-4.09)      (3.69)      (3.99)      (-1.27)

که در تابع بالا

Y ارزش تولید بخش کشاورزی بر اساس سال پایه ۱۳۶۱ بر حسب میلیون ریال

L تعداد نیروی کار در بخش کشاورزی

K کل سرمایه موجود در بخش کشاورزی بر حسب میلیون ریال بر اساس سال پایه ۱۳۶۱

اعداد داخل پرانتز نشاندهنده آماره t است. آماره t بیانگر این است که تنها متغیر K بی معنی است. برای تخمین کارایی فنی از روش COLS استفاده شده است و در این مرحله به بررسی اثر جهانی شدن

بر کارایی فنی می پردازیم. برای بررسی اثر جهانی شدن بر کارایی فنی بخش کشاورزی، متغیر IIT را به عنوان متغیر مستقل همراه سهم هر یک از نهاده ها در تولید در تابع وارد می کنیم. تابع بر

آوردی به صورت زیر است:

$$LNEF = -0.24 - 0.00029LNS1 - 0.041LNS2 + 0.014LNIIT + 0.027AR(1)$$

(-13.7)      (-0.08)      (-8.5)      (1.91)      (0.71)

$$\bar{R}^2 = 0.87$$

در تابع فوق

EF کارایی فنی

S1 نسبت نیروی کار به تولید

S2 نسبت سرمایه به تولید

IIT معیار ادغام تجارت بین المللی است.

با توجه به آماره t متغیرها، ضریب نسبت سرمایه به تولید و IIT معنی دار است که بیانگر تاثیر پذیری کارایی فنی از این دو پارامتر است. به عبارت دیگر می توان به این نتیجه رسید که بهبود سرمایه



گذاری در این بخش و افزایش سهم این نهاد تولید و ادغام در تجارت بین المللی هر دو موجب بهبود کارایی در بخش کشاورزی می شوند اما این تاثیر در اثر افزایش نیروی کار ملاحظه نمی گردد (به دلیل بی معنی بودن این متغیر) این امر رami توان اینگونه توجیه کرد که در ایران به دلیل وفور نسبی نیروی کار، افزایش مقدار استفاده از این عامل تولید نمی تواند تاثیر قابل ملاحظه ای بر میزان تولید و کارایی بخش کشاورزی داشته باشد به عبارت دیگر افزایش کارایی تنها از طریق بهبود سرمایه گذاری و یا افزایش تجارت خارجی با از میان برداشتن موانع تجاری میسر خواهد بود.

در مرحله بعد برای بررسی اثر IIT بر اشتغال سه معادله زیر به روش OLS برآورد شده اند

$$CPI = F(GDP, IPM, QMJ, IIT)$$

$$W = F(CPI, L)$$

$$L = F(W, K)$$

در تابع فوق :

CPI شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی ، GDP تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های ثابت

IPM شاخص قیمت کالاهای وارداتی ، QMJ نقدینگی بخش خصوصی به قیمت جاری

IIT شاخص ادغام تجارت بین المللی ، W دستمزد نیروی کار در بخش کشاورزی

L تعداد نیروی کار در بخش کشاورزی ، K کل سرمایه موجود در بخش کشاورزی بر حسب میلیون ریال به قیمت ثابت است.

در مرحله بعد پس از اثبات عدم وابستگی متغیرهای مستقل هر معادله با جزء اخلاص مربوطه و عدم وابستگی اجزاء اخلاص این سه معادله با یکدیگر ، هر یک از این معادلات به تنهایی و به روش حداقل مربعات معمولی تخمین زده شدند نتایج آن به صورت زیر است :

$$LNCPI = 0.32 - 0.067LNGDP + 0.64LNIPM + 0.21QMJ + 0.12LNIIT \quad \bar{R}^2 = 0.98 \quad (1)$$

(0.085)      (-0.17)      (3.14)      (7.23)      (1.83)

$$LNW = 11.14 - 0.12LNCPI - 0.06LNL \quad \bar{R}^2 = 0.89 \quad (2)$$

(21.8)      (-10.28)      (-1.8)





$$LNL = 15.96 - 0.09LNW - 0.03LNK \quad \bar{R}^2 = 0.27 \quad (3)$$

(57.12) (-3.45) (-0.4)

در تابع اول تمام متغیرهای توضیحی بغیر از GDP معنی دارند. با توجه به ضرایب متغیرهای شاخص قیمت کالاهای وارداتی و نقدینگی بخش خصوصی و ادغام در تجارت بین الملل در ازای افزایش ۱ در صد هر یک از این متغیرها شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی به ترتیب ۰/۶۴، ۰/۲۱ و ۰/۱۲ درصد افزایش خواهد یافت. علامت ضریب متغیر IIT مثبت است و می توان اینگونه تفسیر کرد که به ازای ۱ درصد افزایش این شاخص (فرضا به دلیل از بین رفتن موانع تجاری و آزاد سازی بیشتر تجارت) شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی ۰/۱۲ درصد افزایش خواهد یافت.

در معادله دوم ضرایب متغیرهای شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی و اشتغال منفی و معنی دارند یعنی در ازای افزایش ۱ درصدی هر یک از این متغیرها، دستمزد حقیقی نیروی کار در بخش کشاورزی به ترتیب ۰/۱۲ و ۰/۰۶ درصد کاهش خواهد یافت. این امر با تئوریهای موجود در این زمینه نیز سازگار است زیرا شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی با دستمزد حقیقی رابطه عکس دارند و در اثر افزایش اشتغال نیروی کار دستمزد حقیقی کاهش می یابد.

در معادله سوم تنها ضریب متغیر دستمزد معنی دار است یعنی تغییر ۱ درصدی دستمزد حقیقی نیروی کار منجر به تغییر ۰/۰۹ درصدی اشتغال در جهت عکس خواهد شد.

از مجموع سه معادله بالا می توان اینگونه نتیجه گرفت که در اثر حرکت ایران به سمت آزاد سازی تجاری و افزایش شاخص ادغام در تجارت بین الملل، شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی افزایش خواهد یافت، در اثر افزایش شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی دستمزد حقیقی کاهش و اشتغال افزایش خواهد یافت.

### نتایج و بحث:

با توجه به روند صعودی شاخص ادغام در تجارت بین الملل در چند سال اخیر، ایران به سمت آزاد سازی تجاری حرکت می کند و بخش کشاورزی نیز روند نسبتا خوبی در این امر داشته است ( اگرچه هنوز این شاخص نسبت به بسیاری از کشورها پایین است ) با توجه به ضرایب برآورد شده در مللهای بالا متغیر IIT (معیار ادغام در تجارت بین المللی) به عنوان شاخص جهانی شدن تاثیر مثبتی بر کارایی فنی بخش کشاورزی خواهد گذاشت و در اثر از بین رفتن موانع تجاری و عضویت در سازمان تجارت جهانی، کارایی فنی بخش کشاورزی بهبود خواهد یافت یکی از دلایل حضور کم رنگ ایران در بازار تجارت جهانی محروم بودن ایران از امتیازات بازار مشترک به دلایلی مانند عدم عضویت در سازمان تجارت جهانی است به این معنی که رقبای عمده صادرات کشاورزی ایران با بهره گیری از این



امتیازات قسمت اعظم یازار را تصرف میکنند و از مزایای تجارت بین الملل منتفع می شوند اما ایران به دلیل عدم عضویت در WTO از مزایای ورود به بازار محروم خواهد بود .

سایر نتایج این بررسی بیانگر این امر است که در پی ادغام ایران در سازمان تجارت جهانی (و افزایش متعاقب IIT) شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی افزایش خواهد یافت این امر موجب افزایش تولید می شود و ممکن است این افزایش تولید تنها از طریق تولید داخلی تامین گردد و در نتیجه تقاضا برای تمام عوامل تولید از جمله نیروی کار افزایش خواهد یافت . بطور کلی بخش کشاورزی موقعیتهای شغلی قابل توجهی برای نیروی کار ایجاد خواهد نمود . در واقع پس از ورود ایران به سازمان تجارت جهانی و ورود به بازارهای صادراتی بخشهایی بیشتر منتفع می شوند که کاربرد باشند بنابراین صادرات محصولات کشاورزی که اغلب کاربرد هستند منتفع خواهند شد.

از مجموع این مباحث میتوان نتیجه گرفت که در صورت عضویت ایران در WTO و آزادسازی تجاری کارگران روستایی فرصتهای بیشتری برای اشتغال خواهند یافت و کارایی بخش کشاورزی نیز بهبود می یابد پس کل اثر آزاد سازی بر این بخش مثبت است .

بنابر این جهانی شدن اقتصاد کشور مستلزم آن است که ابتدا با تقویت پیمانهای منطقه ای اکو و حضور فعال در آن و سپس عضویت در WTO امکان بهره گیری از ترجیحات و امتیازات موجود در این عرصه ها برای اقتصاد کشور فراهم شود در غیر این صورت ، ورود در عرصه های جهانی که هر روز بیش از روز قبل با استفاده از این امتیازات قوی تر و نفوذ ناپذیر تر می شوند ، امکان پذیر نخواهد بود . در این راستا تقویت ارتباطات و همکاری با دیگر مجامع منطقه ای و بین المللی مانند اتحادیه اروپا ضرورت دارد.



فهرست منابع :

- ۱ . اشراقی ، رویا و حبیب الله سلامی (۱۳۷۹) . تاثیر آزاد سازی تجاری بر توزیع در آمد در ایران ،مجموعه مقالات سومین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران - مشهد اسفند ۱۳۷۹ ، جلد اول
- ۲ . بهکیش ،محمد مهدی(۱۳۸۰) . اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن ،نشر نی ،چاپ اول
- ۳ . سلامی ، حبیب الله (۱۳۷۹) . سیاست آزاد سازی محصولات کشاورزی در ایران :تحلیلی در چارچوب تعادل عمومی ،مجموعه مقالات سومین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران - مشهد اسفند ۱۳۷۹ ، جلد دوم
- ۴ . مجموعه گزارشهای همایش چالشها و چشم اندازهای توسعه ایران ،هم اندیشی پژوهشگران و نظریه پردازان کشور (۱۳۸۲) ، مجموعه پنجم ، صفحه ۳۳-۱
- ۵ . نظری ، محسن و معصومه بازرگانی نیا (۱۳۸۳) . بررسی اثر جهانی شدن بر صنایع نساجی ، پوشاک و چرم طی دوره ۷۸-۱۳۵۷ ، مجله تحقیقات اقتصادی ، شماره ۸۴ ، صفحه ۱۲۶-۱۰۳
- 6 .Andriamanajara ,shuby .(1993).Have trade policy led to openness in developing countries? World bank ,International trade division.
- 7 .Edward ,s 1997 .Trade policy , growth and income inequality . ۳ American economic review paper and proceeding 87
- 8 .Hertel ,t,w . et al .(2003) Short – versus long run implications of trade liberalization for poverty in three developing countries American journal of agricultural economics vol 85 .no 5 :1299-1306



- 9 . Hung ,j and S.Rozelle(2003) .The impact of trade liberalization on China s agriculture and rural economy ,SAIS Review vol XXXII no1
- 10 .Hung , j. et al .(2003)Trade reform household effects , and poverty in rural China . American journal of agricultural economics vol 85 .no 5 :1292-1298
11. Keary. A.T.(2004). Measuring globalization :Economic reversals , Forward moment , Foreign policy globalization index
- 12.Makhija,M.V,Kim , K willimson ,s.d.(1997)"measuring globalization of industries using a national industry Approach: Empirical Evidence Across five countries and over Time", Journal of International Business studies(jibs); fourth quarter 1997.
- 13 . Qiao ,f. et al (2003). Producer benefits from input market and trade liberalization :the case of fertilizer in China .American journal of agricultural economics vol 85 .no 5 :1223-1227
14. Saeger , S.(1997);"Globalization and Deindustrialization : Myth and Reality in the OECD" , Weltwirtschaftliches Archiv;133,579-608